



نصرالله صالحی

جوانی در محضر درس علمای بزرگ عصر خود، قره‌مانی محمد افندی و شیخ الاسلام ابوالسعود افندی حضور یافت و در بیست سالگی ملازم بزرگ‌ترین عالم زمان خود، ابوالسعود افندی شد.^۳ وی از ۹۷۱ق به مدت ده سال مراحل مختلف مدرسی را در مدارس معتبر عثمانی طی کرد و در ۹۸۱ به مقام معلمی شاهزاده مراد انتخاب و به مانیسا فرستاده شد.^۴

بعد از به سلطنت رسیدن شاهزاده مراد در ۹۸۲ق همراه او به استانبول آمد و به دلیل نفوذ و احترامی که در نزد سلطان مراد سوم (حک: ۹۸۱-۱۰۰۳ق) داشت، لقب «خواجه سلطان» یافت، و بنا بر نظم و مقررات موجود عثمانی «سردار علما و مستشار امراء دین و دنیا» شد.^۵

سعدالدین بنا به مقام و موقعی که در نزد سلطان مراد یافته بود، در میان دولتمردان جایگاه مهمی یافت، تا جایی که در سیاست داخلی و خارجی دولت تأثیرگذار بود.^۶ مقام و موقعیت سعدالدین بعد از مرگ مراد سوم نه تنها دچار ضعف و

اشاره: در این شماره به یکی دیگر از مورخان عثمانی که درباره روابط ایران و عثمانی در عصر صفوی آثاری از خود به جا گذاشته است، می‌پردازیم. شخصیت مذکور خواجه سعدالدین افندی، مورخ و شیخ الاسلام عثمانی در سده دهم هجری است. وی فرزند حسن جان ابن حافظ محمد اصفهانی بود.^۱ پدر بزرگ او، حافظ محمد، در دوره آق‌قویونلو اسم و رسمی داشت. با تشکیل دولت صفویه، به شاه اسماعیل پیوست و در جنگ چالدران حضور یافت. با شکست سپاه صفوی او نیز در میان شمار زیادی از علما، هنرمندان و صنعتگران تبریز توسط سلطان سلیم به استانبول کوچانده شدند. از اقامت او در استانبول هنوز دیری نگذشته بود که مورد توجه قرار گرفت و به او لقب «حافظ مخصوص سلطان» داده شد. او در لشکرکشی سلیم به مصر حضور یافت و فرزندش حسن جان نیز به عنوان ندیم خاص سلطان از نزدیکان او شد.^۲ سعدالدین در ۹۴۳ق در استانبول به دنیا آمد. در دوره

۱. با اینکه تمام منابع عثمانی و نیز کلیه پژوهشگران برجسته معاصر غربی و ترک، سعدالدین را برآمده خانواده‌ای اصفهانی نوشته‌اند، یکی از دانشجویان دکترا که منشآت خواجه سعدالدین را به عنوان رساله دکتری تصحیح کرده در مقدمه رساله و نیز در یکی دو مقاله خود می‌نویسد: «خواجه سعدالدین از یک خانواده ترک اصفهانی بود» (۱). انتساب خواجه به یک خانواده ترک از کشفیات این دانشجو است. جالب اینکه همه منابع مورد استفاده او بدون استثنا خواجه سعدالدین را از یک خانواده اصفهانی نوشته‌اند، نه یک خانواده ترک اصفهانی. برای نمونه نک: کورال ۱۹۵۳: ۲۰؛ سورجان ۱۹۹۲: ۷۳؛ آلتون سو ۱۹۷۲: ۴۷؛ توران، ج ۱، ۱۹۶؛ و نیز ج ۱، ۲۷؛ بابینگر ۱۹۹۲: ۱۳۷ و آق‌تیپه، ۱۰۱.
۲. رفیق ۱۹۲۴: ۹۵-۹۶؛ سامی، ج ۴، ص ۲۵۶۸.

IA, s.v. "Sa'deddin" (by Şerafeddin Turan), vol. 10, p.27.

۴. حاجی خلیفه ۲۰۰۹: ۱۲۱؛ همو ۲۰۰۷: ۲۶۷.

5. Abdülkadir Altunsu, Osmanlı Şeyhülislâmları, s. 47. ; IA, vol. 10, p.27.

۳. سامی، ج ۴، ص ۲۵۶۸؛ رفیق ۱۹۲۴: ۹ و ۹۷.

۶. حاجی خلیفه ۲۰۰۹: ۱۲۱.



تزلزل نشد که حتی بسیار مستحکم نیز شد،^۷ او نخستین کسی بود که با محمد سوم (حک: ۱۰۰۳-۱۰۱۲ق) بیعت کرد.^۸

سعدالدین در اوج قدرت در اثر دسیسه‌های درباری در ۱۰۰۵ق از خواجه‌گی عزل و دست او از مقامات دولتی کوتاه شد. عزل و انزوای او تنها چهارده ماه به درازا کشید و بار دیگر شرایط برای احراز موقعیت پیشین برای او فراهم شد. چنان که در ۲۴ شعبان ۱۰۰۶ از سوی پادشاه به عنوان شیخ‌الاسلام تعیین و لقب «جامع‌الریاستین» گرفت.^۹ خواجه سعدالدین در مقام شیخ‌الاسلامی، هر جمعه در مسجد آیاصوفیه حاضر می‌شد و در پاسخ به استفتائات به مقتضای حال فتوایی به ترکی، فارسی و عربی صادر می‌کرد.^{۱۰} دوران شیخ‌الاسلامی سعدالدین یک سال و شش ماه و دو روز بیشتر طول نکشید. وی در ۱۲ ربیع الاول ۱۰۰۸ درگذشت.^{۱۱}

سعدالدین در زمرهٔ علما و شعرای بزرگ دوران خود بود. به سه زبان فارسی و ترکی و عربی تسلط کامل داشت و به هر سه زبان شعر می‌سرود.^{۱۲} سعدالدین از لحاظ علمی چنان مقام و موقعیت ممتازی داشت که شاعران و ادیبان برجستهٔ زمان، نظیر قنالی‌زاده حسن چلبی و شهنامه‌جی لقمان آثار خود را به او تقدیم کرده‌اند.^{۱۳} مصطفی‌عالی می‌گوید کتاب مناقب هنروران را بنا به درخواست او نوشته است.^{۱۴} از وی در زمینه‌های مختلف چند تألیف و ترجمهٔ مهم باقی مانده است:

۱۸. تاج‌التواریخ. بیشترین شهرت سعدالدین صرف‌نظر از شیخ‌الاسلام و دولتمرد بودنش، به مورخ بودن او برمی‌گردد. تاج‌التواریخ او که از آن با عنوان «خواجه‌تاریخی» نیز یاد می‌شود، اسباب شهرت زیاد او شده است. خود او دربارهٔ علت تألیف این اثر می‌گوید: چون تاریخ‌های موجود عمدتاً به زبان فارسی بود و خوانندگان توان مطالعهٔ آن‌ها را نداشتند به این فکر افتادم که تاریخی به زبان ترکی دربارهٔ آل عثمان به رشتهٔ

تحریر درآورم.^{۱۵}

سعدالدین بعد از ترجمهٔ مرآت‌الادوار لاری به ترکی، باب دهم آن را که در تاریخ عثمانی بود، ناقص و فاقد ارزش یافت، از این رو بعد از ترجمهٔ اثر لاری، اقدام به نوشتن تاریخ دودمانی عثمانی که در واقع ادامه و تکمیل‌کنندهٔ کار لاری بود، کرد. خواجه سعدالدین با مینا‌قرار دادن روایات تاریخی دودمانی بدلیسی، تا پایان سلطنت سلیم، اقدام به نوشتن تاریخی با سبک بسیار متکلفانه و مصنوع کرد. وی با انتخاب عنوان تاج‌التواریخ برای شاهکار خود، از یک طرف بر این نیت بوده تا سلسلهٔ عثمانی را سرآمد سلسله‌های تاریخ جهان اسلام معرفی کند و از طرف دیگر احتمالاً قصد داشته تا بر قدر و منزلت اثر خود تأکید کند. تاج‌التواریخ، بعد از تألیف، چنان جایگاهی پیدا کرد که به نوعی جایگزین وقایع‌نامه‌های پیشین عثمانی شد و به عنوان یکی از تاریخ‌های عثمانی، محل رجوع بیشتر مورخان عثمانی و مورخان معاصر شد.^{۱۶} تاج‌التواریخ از نقطه نظر زبان نیز بسیار حائز اهمیت است، زیرا نویسنده با استفاده از سبک تاریخ‌نویسی فارسی به تقویت زبان ترکی کمک شایانی کرد. چنان که با تألیف تاج‌التواریخ «سبک نو ایرانی» به تاریخ‌نگاری عثمانی معرفی شد که تقریباً شبیه سبک یونانی آناکومنه^{۱۷} و هم‌عصران سدهٔ چهارم او بود.^{۱۸} از دید سعدالدین بهترین اثر مربوط به تاریخ عثمانی، هشت بهشت بدلیسی است. او از بدلیسی و اثرش با تحسین و ستایش یاد می‌کند و در نوشتن تاج‌التواریخ از بدلیسی‌الگو می‌گیرد تا جایی که حتی تعبیرات بدلیسی را به خدمت می‌گیرد.^{۱۹} از دید ایشرلی و اوزترک، سعدالدین در تألیف تاج‌التواریخ بیشترین تأثیر را از اثر فاخر بدلیسی گرفته است.^{۲۰} تاج‌التواریخ در دو جلد تألیف شده است. جلد نخست از «بیان کیفیت طلوع کوبهٔ اقبال سعادت مأل خاندان عثمانی»

۷. همانجا. ۸. حاجی خلیفه ۲۰۰۷: ۲۶۵. ۹. حاجی خلیفه ۲۰۰۹: ۲۰۱. Altunsu, s.48. ۱۰. حاجی خلیفه ۲۰۰۹: ۲۰۱-۱۲۲. ۱۱. همان: ۱۲۲.

Selaniki Mustafa Efendi: Tarih-i Selaniki, c. 2, s.731.

۱۲. رفیق ۱۹۲۴: ۱۱۹. ۱۳. سورجان ۱۹۹۲: ۷۳.

۱۴. عالی ۱۹۲۶: ۶-۷. ۱۵. خواجه سعدالدین، تاج‌التواریخ، ج ۱، ص ۹.

16. Iranica, s.v. "Historiography, xiv. The Ottoman Empire" (by Sara Nur Yildiz), vol. 7, p. 409; Sara Nur Yildiz, 2005, p. 157.

برای ترجمهٔ متن کامل مقالهٔ مزبور نک: تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین نصرالله صالحی، پژوهشکدهٔ تاریخ اسلام، تهران، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳-۱۴۷.

17. Ann Komnene

۱۸. ارتابلی ۲۰۰۴: ۶۲. ۱۹. حاجی خلیفه ۲۰۰۹: ۱۱۲ و ۱۲۲. ۲۰. ایشرلی ۱۹۹۹: ۲۴۸؛ اوزترک ۱۹۹۹: ۲۵۹.



تاج التواریخ، جلد اول، فہرست

۱۰	مہاجہ در ترجمہ خواجہ افندی	۴۱	فتح کونیک و طراقچی و مدرفی بامان
۱۱	مقدمہ	۴۲	عزم اورخان خان بفتح کونیک
۱۲	بیان کیفیت طلوع کوکبہ اقبال	۴۳	بافرمودن اورخان غازی
۱۳	سعادت نال خاندان عثمانی	۴۴	عزم جامع
۱۴	بیان عنوان این نامہ	۴۵	ذکر تسخیر ولایت فراسی
۱۵	ذکر فتح اینہ کول و بیلاچک	۴۶	داستان فتح و تسخیر دیار روم
۱۶	بیان عمارت عثمان خان	۴۷	ابلی
۱۷	بناکوران	۴۸	فتح کابوی و قورکور حصار
۱۸	محاصرہ عثمان غازی	۴۹	ذکر تسخیر دیار ماغہ
۱۹	محاصرہ فلک فرسای روسا	۵۰	رحلت شہزادہ ازدار خسا
۲۰	توجہ نصرت آگار عثمان	۵۱	ہجوم کافران براہل اسلام
۲۱	نامدار بیچہ	۵۲	رسیدن خیر موت شہزادہ پشاه
۲۲	ہجوم تاتار بر بلزار قرہ چہ	۵۳	سدنہ او و حکام
۲۳	محاصرہ و غلبہ اورخان نامدار	۵۴	جلوس حضرت سلطان
۲۴	عزیمت اورخان قوی یازو	۵۵	مراد غازی و عادل
۲۵	بسخیر ولایت قوجہ ابلی	۵۶	فتح انکوریہ و قہر کرہ
۲۶	واقی یازو	۵۷	سدون
۲۷	فتح حصار پروسہ و ادرنوس	۵۸	عزم سلطان بوضو روم ابلی
۲۸	بہتمام اورخان غرا مانوس	۵۹	فتح دیہ توقہ و ادرنہ آست
۲۹	عہد او رضانی	۶۰	فتح واردار و کلینہ و چاہلای
۳۰	جلوس سعادت مانوس	۶۱	دار
۳۱	اورخان	۶۲	وضع خمس و کرفتن زغرہ
۳۲	ذکر فتح حصار ایدوس است	۶۳	رجعت سلطان و فتح فلبد
۳۳	ذکر فتح حصار ازنگیند	۶۴	واطراقی آن
۳۴	رجعت سلطان و بیچہ	۶۵	ہجوم کافر صرف و شہور
۳۵	فرانین کردش	۶۶	رایت دین
۳۶	عزیمت کردن سلطان بفتح	۶۷	فتح بنا و عود شاہ و فنا
۳۷	قلمہ ازریق	۶۸	

شروع و جلد دوم را با بیان وقایع دورہ سلیم دوم پایان می دهد. مطالب مربوط به روابط ایران و عثمانی در دو جلد مذکور از این قرار است: «باعث خشم شهنشاه به دارای عجم» (ج ۱، ص ۵۲۱-۵۲۵)؛ «عزم شه تیغزن بر سر اوزون حسن» (ج ۱، ص ۵۲۵-۵۳۳)؛ «در بیان رزم شاه سرفراز با شهنشاه عجم بی اهتزاز» (ج ۱، ص ۵۳۳-۵۳۵)؛ «عزم قزلباش به سرحد روم» (ج ۲، ص ۱۱۴-۱۲۷)؛ «خروج شاهقلی و فتنه های بی حد او» (ص ۱۶۲-۱۶۸)؛ «عزم حضرت سلطان سلیم بهر تأدیب قزلباش لثیم» (ص ۲۳۹-۲۴۶)؛ «نامه سلطان سلیم به دارای عجم» (ص ۲۴۶-۲۵۲)؛ «صورت نامه سیوم» (ص ۲۵۶-۲۶۰)؛ «رزم سلطان روم و شاه عجم» (ص ۲۶۰-۲۷۷)؛ «رفتن شه به جانب تبریز» (ص ۲۷۷-۲۸۱)؛ «رفتن شه به جانب قشلاق» (ص ۲۸۱-۲۸۹)؛ «آمدن قاصد شاه عجم» (ص ۳۸۰). چنان که از عناوین مطالب برمی آید، نویسنده با اینکه کتاب را به ترکی نوشته، اما همه عناوین کتاب همانند بسیاری از تاریخ های ترکی عصر عثمانی به زبان فارسی است.

تاج التواریخ از جمله منابع مهم عثمانی است که در اروپا شهرت زیادی یافته و متن کامل آن به زبان های آلمانی، ایتالیایی، فرانسوی، مجاری و بعضی قسمت های آن به انگلیسی ترجمه شده است.^{۲۱} تاج التواریخ در سال ۱۲۷۹۸۰ ق در استانبول به چاپ رسیده است. عصمت پارماقسز اوغلو نیز متن ساده شده تاج التواریخ را در آنکارا منتشر کرده است.^{۲۲}

۱۹. ابتهاج التواریخ. بر تاج التواریخ ذیل هایی هم نوشته شده است. از جمله ذیل مصطفی شافی^{۲۳} خود سعدالدین هم مدتها بعد از تألیف اقدام به نوشتن یادداشت هایی برای دورہ سلیمان قانونی کرده بود، اما مجال تألیف نیافت؛ تا اینکه فرزندش، محمد، با کمک برادرش اسعد به تکمیل ذیل مزبور پرداخت و آن را ابتهاج التواریخ نامید. وی بر یادداشت های پدر مطالبی نیز افزود و ابتهاج التواریخ را در دو جلد تدوین کرد؛ جلد نخست از جلوس قانونی شروع می شود و جلد دوم هم شامل وقایع

۹۵۸ تا ۹۶۱ است.^{۲۴} ابتهاج التواریخ چند بار به عنوان پایان نامه تصحیح شده است.^{۲۵}

۲۰. سلیم نامه: خواجہ سعدالدین اثر دیگری به نام سلیم نامه دارد که در واقع ذیلی بر تاج التواریخ به حساب می آید. این اثر در میان مردم عادی از شهرت زیادی برخوردار شده است. این اثر که شامل یک مقدمه و دوازده حکایت است، در انتهای ابتهاج التواریخ به چاپ رسیده است.^{۲۶}

۲۱. باینگر ۱۹۹۲: ۱۴۰.

۲۲. با این مشخصات:

Hoca Sadeddin Efendi, Tâcü't-Tevarih'i, Sadeleştirin: İsmet Parmaksızođı, Millî Eğitim Basımevi, İstanbul 1974.

۲۳. ششن ۱۹۹۸: ۲۹۹.

۲۴. افیونچی ۲۰۰۷: ۵۹؛ آکگون ۱۹۹۸: ۶۸-۷۶.

۲۵. همان، ذیل صفحه ۵۹.

۲۶. اوغور ۱۹۸۰: ۲۲۵؛ باینگر ۱۹۹۲: ۱۳۷ و ۱۳۹؛ بایراک ۲۰۰۲: ۱۷۶؛ ششن ۱۹۹۸: ۲۹۹.



T.C.
ANKARA ÜNİVERSİTESİ
SOSYAL BİLİMLER ENSTİTÜSÜ
İSLAM TARİHİ VE SANATLARI ANABİLİM DALI
İSLAM TARİH BİLİM DALI

OSMANLILARDA MÜNŞEÂT GELENEĞİ,
HOCA SADEDDİN EFENDİ'NİN HAYATI, ESERLERİ VE MÜNŞEÂTI

DOKTORA TEZİ

DANIŞMAN
Prof. Dr. Nesimi YAZICI

HAZIRLAYAN
Abdurrahman DAŞ

ANKARA - 2003

Başbakanlık Kültür Müsteğarlığı
Kültür Yayınları

HOCA SADEDDİN EFENDİ

TÂCÜ'T - TEVÂRİH

(Tarihlere tâctır bu kitap)

Cilt
I

Osman Gazi, Orhan Gazi, Hüdavendigâr Gazi

ve

Yıldırım Han
devirleri

Sadeleştiren
İsmet PARMAKSIZOĞLU

BİRİNCİ BASILIŞ

این اثر را به سفارش سلطان مراد در عرض شش ماه به اتفاق دو پسرش ترجمه کرد.^{۳۰}

منابع:

- سعدالدین محمد افندی بن حسن جان، تاج التواریخ، استانبول، ۱۲۷۹
- بروسه‌لی، محمد طاهر، ۱۳۴۲، عثمانلی مؤلفه‌ری، استانبول.
- حاجی خلیفه، ۲۰۰۹، فذلکة أقوال الأخیار فی علم التاریخ و الأخبار (فذلکة التواریخ) تاریخ ملوک آل عثمان، حقه و قدم له و ترجم حواشیه، سیدمحمد السید، آنکارا.
- رفیق، احمد، ۱۹۲۴، عالم‌ر و صنعتکارلر، «درسعات [استانبول]».

۲۱. منشآت: خواجه سعدالدین که در شعر و ادب و زبان دانی سرآمد هم‌عصران خود بود، در نوشتن نامه‌های سیاسی هم مهارت تمام داشت. اگرچه از او مجموعه منشآت مستقل باقی نمانده^{۳۷} اما منشآت او در مجموعه‌های مختلف به صورت پراکنده آمده است. عبدالرحمن داش منشآت سعدالدین را به عنوان رسالهٔ دکترای تصحیح کرده است.^{۲۸} همچنین در مقالهٔ مستقلی با عنوان «مکاتبات تیمور و یلدرم بایزید» بخشی از منشآت سعدالدین را تحلیل و منتشر کرده است.^{۲۹}

۲۲. ترجمه‌ها: سعدالدین آثاری از عربی و فارسی به ترکی ترجمه کرده است. از جمله: بهجة التواریخ، رسالهٔ قشیریه، مرآت‌الادوار، و رساله‌ای در مناقب شیخ عبدالقادر گیلانی. وی

۲۷. داش ۲۰۰۳: ۱۳۲.

۲۸. با این مشخصات:

Abdurrahman Daş, Osmanlılarda münşeât geleneği, Hoca sadeddin Efendi'nin hayati, Eserleri ve münşeâti, Doktora Tezi, Ankara Üniversitesi, Ankara, 2003.

۲۹. متن مقالهٔ مذکور (به صورت پی‌دی‌اف) در اینترنت قابل دسترسی است، با این مشخصات:

Abdurrahman Daş, Ankara Savaşı Öncesi Timur ile Yıldırım Bayezid'in Mektuplaşmaları, s.141-167.

۳۰. پچوی، ج ۲، ص ۴۵۱-۴۵۲؛ رفیق ۱۹۲۴: ۱۲۰؛ آلتون سو ۱۹۷۲: ۵۰؛ د.ا.ترک، ج ۱، ص ۳۰.



دوره دوم، سال هفتم، شماره یکم و دوم، فروردین - تیرماه ۱۳۹۲

manli (Yeni Türkiye Yayınları), Vol. VIII, Ankara.

_ Iranica, s.v. "Historiography, xiv. The Ottoman Empire" (by Sara Nur Yıldız);

_ Kural, Akdes Nimet, 1953, "Hoca Sadeddin Efendinin Türk-İngiliz Münasebetlerinin Tesisi ve Gelişmesindeki Rolü", 60. Doğum yılı münasebetiyle Fuad Köprülü, İstanbul.

_ Nur Yıldız, Sara, "Persian in the Service of the Sultan: Historical Writing in Persian under the Ottomans during the Fifteenth and Sixteenth Centuries", in Studies on Persianate Societies, Vol. 2, 2004, Manohar, 2005;

_ Ortaylı, İlber, 2004, "Basic trends in Ottoman Turkish Historiography", in "Ottoman Studies", İstanbul Bilgi University Press.

_ Öztürk, Necdet, 1999, "Osmanlılarda Tarih Yazıcılığı Üzerine", Osmanlı (yeni Türkiye yayınları), Vol. VIII, Ankara.

_ Selaniki Mustafa Efendi, 1999, Tarih-i Selaniki (971-1008 / 1563- 1600), Hazırlayan: Mehmet İpşirli. Türk Tarih Kurumu, Ankara.

_ Severcan, Şefaettin, 1992, "Hoca Sadeddin effendi ve Tarihçiliğimizdeki yeri", Erciyes Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi, vol. 8, Kayseri.

_ Şeşen, Ramazan, 1998, Müslümanlarda tarih-coğrafya yazıcılığı, ISAR, İstanbul.

_ TDVİA, s.v. "Hoca Sâdeddin Efendi" (by Şerafettin Turan).

_ Turan, Şerafeddin, İA, s.v. "Sa'deddin".

_ Uğur, Ahmet, 1980, "Hoca Sa'deddin'nin Selim-namesi", İslam İlimler Enstitüsü Dergisi, vol. IV, Ankara.

■

_ سعدالدین محمد افندی بن حسن جان، تاج التواریخ، استانبول، ۱۲۷۹

_ صالحی، نصرالله (ترجمه و تدوین)، ۱۳۹۲، تاریخ نگاری و مورخان عثمانی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

_ عالی، مصطفی، ۱۹۲۶، مناقب هنوران، استانبول.

_ Afyoncu, Erhan, 2007, Tanzimat Öncesi Osmanlı Tarihi Araştırma Rehberi, İstanbul.

_ Aktepe, Münir; Hoca Sa'deddin Efendi'nin Tâcü't-Tevarih'i ve Bunun Zeyli Hakkında,

(متن این مقاله، ص ۱۰۱-۱۱۶، در اینترنت موجود است، اما محل انتشار آن مشخص نیست.)

_ Akgün, Ahmet, 1998, "Şeyhülislam Hoca-zade Mehmed Efendi ve Eseri İbtihâcüt-tevârih", Balıkesir Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi, vol. 1, no. 2.

_ Altunsu, Abdülkadir, 1972, Osmanlı Şeyhülislâmları, Ankara.

_ Haji Khalifa, 2007, Kâtib Çelebi Fezleke, Tahlil ve Metin, by Zeyneb Aycibin, Doktora Tezi, Mimar Sinan Güzel Sanatlar Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Ortaçağ Tarihi Anabilim Dalı, İstanbul.

_ Babinger, Franz, 1992, Osmanlı Tarih Yazarları ve Eserleri, tr. Coşkun Üçök, Ankara.

_ Bayrak M. Orhan, 2002, Osmanlı Tarih Yazarları, İstanbul.

_ Hoca Sadeddin Efendi, 1974, Tâcü't-Tevarih'i, Sadeleşiren: İsmet Parmaksızoğlu, Millî Eğitim Basımevi, İstanbul.

_ Daş, Abdurrahman, 2003, Osmanlılarda Münşeât Geleneği, Hoca sadeddin Efendi'nin hayatı, Eserleri ve Münşeâtı, Doktora Tezi, Ankara Üniversitesi, Ankara.

_ İpşirli, Mehmet. 1999, "Osmanlı Tarih Yazıcılığı", Os-

